

همکاری راهبردی نیروی دریایی هند و امریکا:

فرصت‌ها و چالش‌ها

(با نگاهی بر نقش بازدارنده جمهوری اسلامی ایران)

محمدصادق کوشکی*

سیدمحمود حسینی**

چکیده

در سال ۱۹۹۱ پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، تغییرات زیادی در سطح بین‌المللی رخ داد. تابع این تغییرات، دو کشور امریکا و هند، رویکردهای متفاوتی را در قبال یکدیگر پذیرفتند که به بهبود تدریجی روابط دو کشور منجر شد. در این میان، روابط نیروی دریایی دو کشور نیز تابع این سیاست‌های جدید قرار گرفت. دهلی‌نو نگرش خود نسبت به حضور امریکا در منطقه اقیانوس هند را در مقایسه با دوران جنگ سرد تغییر داد. امریکا نیز قدرت ناوگان دریایی هند را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت دریایی منطقه اقیانوس هند و ورای آن مورد شناسایی قرار داد. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که اهداف و منافع مشترک همکاری راهبردی نیروهای دریایی هند و امریکا و همچنین چالش‌های فراروی این همکاری‌ها چه مسائلی می‌باشند. این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که دو کشور پس از دوره جنگ سرد، دیدگاه‌های مشترکی در مورد حفظ محیط امنیتی با ثبات در منطقه اقیانوس هند، به‌ویژه از نظر پاسخ و واکنش به چالش‌های بی‌شمار در این حوزه داشته‌اند که زمینه‌های همکاری‌های بیشتر نیروی دریایی دو طرف را فراهم می‌آورد. به‌رغم وجود زمینه همکاری‌های بیشتر، موانع و چالش‌هایی از جمله جمهوری اسلامی ایران، چین، صادرات کنترل‌شده امریکا به هند و عامل سیاسی- نظامی نیز قابل بررسی است.

واژگان کلیدی

هند، امریکا، روابط خارجی، نیروی دریایی، جمهوری اسلامی ایران، چین، بازدارندگی

Email:m.saleh313@gmail.com

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

Email:mhossini92@gmail.com

** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۰/ بهار ۱۳۹۳/ صص ۸۹-۶۱

جستارگشایی

روابط امریکا و هند در دوره جنگ سرد به دلیل دنبال کردن سیاست عدم تعهد از طرف هند، محدود بود؛ علی‌رغم اینکه گفته می‌شود دو کشور به ترتیب به عنوان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین دموکراسی جهان قلمداد می‌شوند. این روابط محدود، در وهله نخست ناشی از ادراکات امنیتی متفاوت دو کشور در منطقه اقیانوس هند بود که پس از سال ۱۹۹۱، رویکردهای تقریباً مشابهی در این زمینه در دستور کار مقامات دو کشور قرار گرفت. دو کشور در سیاست‌ها و خط‌مشی خود بازنگری کردند و پیامد این امر، بستر همکاری‌های نظامی و غیر نظامی میان دو کشور را فراهم نمود. نشانه آن در دیدگاه مشابه دو کشور در حمایت از معاهده منع آزمایش‌های فراگیر هسته‌ای^۱ در مجمع عمومی سازمان ملل نمود پیدا کرد.

هرچند امتناع و خودداری هند از امضای معاهده منع آزمایش‌های فراگیر هسته‌ای به عنوان نگرانی امنیتی امریکا تلقی می‌شد، به تدریج روابط دو کشور رو به بهبود گذاشت. این روابط در سال ۱۹۹۸ پس از شروع آزمایش‌های هسته‌ای هند بیشتر در حاشیه قرار گرفت، اما پس از این رویدادها در مارس ۲۰۰۰، رئیس‌جمهور وقت امریکا، بیل کلینتون از هندوستان (اولین دیدار رئیس‌جمهور امریکا پس از ۲۲ سال) دیدار کرد. این ملاقات نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود و پس از آن ادراکات امنیتی دو طرف به یکدیگر نزدیک‌تر شد و بستر همکاری‌های گسترده فراهم گردید (Bhasker, 2000, p.209).

در حوزه نیروی دریایی، هند نگرش‌های متفاوتی نسبت به حضور امریکا در منطقه اقیانوس هند در پیش گرفت و آن را به رسمیت شناخت، زیرا در مقایسه با دوره جنگ سرد، نظم جهانی تغییر پیدا کرده بود. امروزه نیروی دریایی هند بیشترین قدرت را در منطقه اقیانوس هند داراست و استراتژی دریایی این کشور، همکاری با دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است، که این مسئله حاکی از تغییر سیاست‌های این کشور در زمینه نظامی-دریایی می‌باشد.

در طرف مقابل، بعد از فروپاشی شوروی، امریکا قدرت نیروی دریایی هند در منطقه اقیانوس هند را مورد شناسایی قرار داد و در استراتژی جدید این کشور، دهلی‌نو به عنوان مدار و محور شرق^۲، که باید نقش مهمی در زمینه امنیت و ثبات در منطقه آسیای پاسیفیک بازی کند، بازشناخته می‌شود. در واقع می‌توان مهم‌ترین عوامل برجسته‌شدن جایگاه هند در سیاست خارجی امریکا را، بالا گرفتن تروریسم، خیزش چین و خطر برهم خوردن موازنه قوا در آسیا از سوی آن کشور و رشد سریع اقتصاد هند در چند دهه اخیر برشمرد (شفیعی و قنبری پاسارگادی، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۲۳). این مقاله تلاشی است در جهت بررسی و تحلیل روابط نیروی دریایی دو کشور هند و امریکا در منطقه اقیانوس هند، در دوره قبل و بعد از جنگ سرد. همچنین فرصت‌ها و چالش‌ها در این زمینه میان دو کشور پس از دوره جنگ سرد، ارزیابی خواهد شد.

۱. پیشینه روابط نیروهای دریایی هند و امریکا در گذر تاریخ

در دهه ۱۹۵۰، روابط دوجانبه دو کشور تحت‌الشعاع همکاری‌های نظامی پاکستان و امریکا قرار گرفت. در پیگیری استراتژی مهار^۳ توسط امریکا، کمک‌های نظامی به پاکستان گسترش پیدا کرد و بستری برای اتحاد نظامی دو کشور پاکستان و امریکا فراهم شد. در این رابطه، هند با این اتحاد در منطقه آسیا مخالفت کرد و به تصمیم امریکا برای ارسال و تحویل تسلیحات به پاکستان اعتراض نمود. از دید دهلی‌نو، این مسئله، موازنه قدرت در منطقه آسیای جنوبی را به نفع پاکستان به هم می‌زد و موجب چالش‌های جدی امنیتی برای هند می‌شد (Mann, 2000, p. 60).

در دهه ۱۹۶۰، منطقه اقیانوس هند تبدیل به کانون رقابت ابرقدرت‌ها شد. در سال ۱۹۶۳ برای اولین بار ایالات متحده امریکا، هفت ناوگان نظامی خود را وارد اقیانوس هند نمود، که این راهبرد، پیامد اجرای عملیات در محدوده معاهده سنتو بود. در این زمان کشورهای ساحلی مانند سریلانکا و اندونزی به ورود ناوگان‌های امریکایی به منطقه آسیای جنوبی اعتراض کردند. در این

2. East Pivot

3. Containment Strategy

میان واکنش دهلی نو محتاطانه بود، زیرا این کشور نمی‌توانست امنیت حوزه اقیانوس هند را فراهم آورد. این مسئله یعنی بی‌ثباتی و عدم امنیت در صدور کالاهای هندی برای رشد اقتصادی این کشور، یک چالش عمده محسوب می‌شد (Kaushik, 1983, p.84).

این سیاست در اواخر سال ۱۹۶۶، زمانی که ایندیرا گاندی به نخست‌وزیری هند رسید، معکوس شد. وی سیاست‌های عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه را در دستور کار سیاست خارجی دهلی‌نو قرار داد و با حضور بیش از پیش امریکا در منطقه که در راستای پیروی از سیاست تئوری خلأ^۴ این کشور بود، مخالفت کرد (آقایی و حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). در واقع، تئوری خلأ، در دهه ۱۹۶۰ سیاستی از سوی امریکا بود که در راستای آن با خروج نیروهای بریتانیا از شرق کانال سوئز، نیروهای امریکایی جایگزین آن می‌شدند. این نظریه و راهبرد از نگاه مقامات هندی به عنوان شکل جدیدی از استعمارگری در منطقه تلقی می‌شد و علاوه بر آن مقامات هندی تلاش کردند تا خلأ ایجادشده قدرت در منطقه را با استفاده از نیروهای کشورهای منطقه پر کنند. در واقع سازوکار امنیت جمعی منطقه‌ای که از طرف هند پیشنهاد شد، تلاشی برای جلوگیری از جایگزینی قدرت هژمون به وسیله دیگر کشورهای منطقه بود (Jayaramu, 1995, p.38).

جدا از این مسائل، در دوره نخست‌وزیری ایندیراگاندی (۱۹۶۶-۷۵) ما شاهد همکاری‌های راهبردی و امضای پیمان ۲۰ ساله امنیتی- دفاعی هند با شوروی هستیم که به منظور بالا بردن قابلیت دفاعی این کشور صورت پذیرفته بود (کولایی و واعظی، ۱۳۹۱، صص ۲۵۵). این مسائل، بستر واگرایی میان دهلی‌نو و واشنگتن را در این دهه فراهم می‌آورد.

در دهه ۱۹۷۰، هند مخالفت خود را با حضور نظامی دو ابرقدرت (شوروی و امریکا) در اقیانوس هند به دلیل نگرانی‌های امنیتی ابراز داشت. این نگرانی‌ها پس از دسامبر ۱۹۷۱، با شدت گرفتن جنگ پاکستان و هند بیشتر شد. در این زمان، واشنگتن ناوگان هفتم دریایی خود را به خلیج بنگال گسیل داشت که در واقع تلاشی برای ترساندن هند بود. دهلی‌نو از این اقدام امریکا به عنوان عملیاتی برای شکست هند در قبال پاکستان یاد کرد.

در این دهه، مقامات هندی از طرح منطقه صلح اقیانوس هند^۵ که توسط سریلانکا ارائه شده بود، حمایت کردند. مفهوم منطقه صلح از نظر ماهیت و محتوای مفهومی برآمده از جنبش غیرمتمعهدها بود که کشورهای منطقه را با داشتن پتانسیل‌های قوی مانند وسعت سرزمین که شامل فضای هوایی و دریایی می‌شد، ملزم به همکاری با یکدیگر برای تأمین امنیت منطقه‌ای می‌نمود تا از نفوذ استراتژیک دو ابرقدرت و رقابت‌های آنان در آینده جلوگیری کند. در واقع این پیشنهاد، طرحی برای عاری‌سازی منطقه اقیانوس هند از سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی بود (Kumar, 2000, p. 242).

در دهه ۱۹۸۰، تحویل تسلیحات امریکایی به پاکستان و حضور دائمی نیروهای امریکایی در پایگاه دیگوگارسیا^۶ (پایگاه هوایی و دریایی مهم امریکا در اقیانوس هند) یکی از عوامل مهم واگرایی دو کشور هند و امریکا بود. تحویل موشک‌های هارپون^۷ به عنوان یکی از موشک‌های نسل جدید، مدرن و مخرب و مجهز کردن نیروهای پاکستان به رادارهای پیشرفته یکی از دلایل ایجاد تنش بین دهلی نو و واشنگتن در این دهه بود.

جدا از این مسئله، مداخله هند در سریلانکا در سال ۱۹۸۷ نیز از نظر واشنگتن طرحی برای بی‌ثباتی و عدم امنیت در منطقه و زیر سؤال بردن قدرت نظامی - دریایی امریکا بود که تنش بین دو کشور را بیشتر می‌کرد (Harrison & Subrahmanyam, 1989, pp. 265-268).

در مجموع می‌توان روابط محدود و سرد نیروی دریایی دو کشور هند و امریکا در دوره جنگ سرد را ناشی از سه عامل عمده دانست:

- رویکرد محتاطانه هند نسبت به مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند (به

استثنای دوره نخست‌وزیری گاندی در سال‌های ۷۵-۱۹۶۶)؛

- پیگیری و تعقیب سیاست عدم تعهد از طرف سران هندی در آن دوران (شفیعی و قنبری

پاسارگادی، ۱۳۸۸، صص ۲۳-۲۲)؛

5. Indian Ocean Peace Zone Proposal

6. Diego Garcia

7. Harpon

- وجود روابط نظامی نزدیک پاکستان و امریکا.

۲. بهبود روابط نیروی دریایی دو کشور در دوره پس از جنگ سرد

در دهه ۱۹۹۰ پس از سقوط شوروی و پایان جنگ سرد، تغییرات عمده‌ای در سیاست جهانی رخ داد. این عامل سبب شد تا بستر و زمینه‌ها، برای ایجاد روابط حسنه میان واشنگتن و دهلی نو پدیدار شود. در اوت ۱۹۹۱، پس از دیدار هیئت هندی از ایالات متحده امریکا، رئیس ستاد مشترک نیروهای امریکا، ژنرال رودریگز^۸، این دیدار را سرآغاز گام‌هایی مثبت برای همکاری میان دو طرف تلقی نمود. در اکتبر ۱۹۹۱، زمانی که دریاسالار چارلز لارسون^۹، فرمانده نیروی دریایی امریکا در حوزه پاسیفیک گفت "بیایید تا گذشته‌ها را فراموش کنیم، گذشته‌ها نباید دوباره تکرار شوند و ما باید اندیشه‌هایمان را اصلاح کنیم"، چشم‌انداز بهبود روابط نیروی دریایی دو کشور تقویت شد (Bhaskar & Kamlesh, 2011, p. 13).

در ژانویه ۱۹۹۲، در دهلی نو گفتگوهای دو طرف- از یک سو ژنرال جان کرونز^{۱۰} (فرمانده مرکزی نیروهای نظامی امریکا در پاسیفیک) و دریاسالار فرانک کلسو^{۱۱} (رئیس عملیات‌های دریایی امریکا در اقیانوس هند) و در طرف دیگر، افسران ارشد نیروی دریایی هند- بستر و زمینه‌های افزایش همکاری در بلندمدت میان دو طرف را فراهم نمود (Shuja, 2006, p. 37). این گفتگوها میان افسران ارشد دریایی دو طرف، طلیعه‌ای برای همکاری‌های پایدار در نیروی دریایی دو کشور در آینده محسوب می‌شد.

۲-۱. مجموعه عملیات دریایی مالابار

مجموعه عملیات دریایی مالابار^{۱۲}، به عنوان مهم‌ترین جزء اصلی روابط نیروهای دریایی هند و امریکا محسوب می‌شود. در سال ۱۹۸۹، رئیس ستاد فرماندهی نیروی دریایی پاسیفیک امریکا،

8. Rodrigous

9. Charles Larson

10. John Crons

11. Frank Kelso

12. Malabar

دریاسالار جرمیا^{۱۳}، پیشنهاد تماس‌های مشترک دو نیروی امریکایی و هندی را برای انجام عملیات‌های مشترک دریایی ارائه نمود (Chaudhury, 2012). پس از آن در سال ۱۹۹۱ و دیدار جان کلود کیکلیتر^{۱۴} فرمانده نیروی دریایی پاسیفیک امریکا از هند نیز پیشنهادهایی برای بهبود روابط در زمینه همکاری‌های دفاعی شامل تعاملات سالانه سران، تبادلات خدمات ایجاد کارگروه‌های مشترک آموزشی و مشارکت در عملیات‌های دریایی- نظامی، بین دو کشور ارائه شد.

به‌دنبال پیشنهادهای کیکلیتر، بستر ایجاد کارگروه‌های راهنمای اجرایی^{۱۵} همکاری‌های دفاعی بین دو کشور فراهم شد. در ابتدا کارگروه‌های راهنمای اجرایی در شاخه نظامی آن در ژانویه ۱۹۹۲ شکل گرفت و به‌دنبال آن کارگروه‌های راهنمای اجرایی نیروی دریایی و هوایی در ماه مه همان سال تشکیل شد. پس از ملاقات کارگروه‌های راهنمای اجرایی مشترک دو کشور امریکا و هند، که به‌طور سالانه میان سران نیروهای دریایی دو کشور صورت می‌گرفت، اولین عملیات دریایی مشترک، در سواحل غربی اقیانوس هند در سال ۱۹۹۲ انجام شد. این عملیات به‌طور سالانه تا سال ۱۹۹۷ ادامه داشت (Malik, 2006, pp.83-84).

آزمایش‌های هسته‌ای هند در مه ۱۹۹۸، به عنوان یک عقب‌نشینی عمده در روابط دوجانبه دو کشور هند و امریکا محسوب شد و امریکا در همکاری‌های دفاعی- دریایی خود با هند به دیده تردید نگرست. اگرچه از این سال به بعد، نگرش امریکا نسبت به دهلی‌نو تغییر یافت، اما روابط دو کشور در سال ۲۰۰۲ رو به بهبود گذاشت. در سال ۲۰۰۳، محدوده عملیات‌های دریایی مشترک دو کشور گسترش پیدا کرد و برای اولین بار نیروی دریایی دو کشور عملیاتی را در زمینه جست‌وجو و نجات در اقیانوس هند با همکاری یکدیگر برگزار نمودند (Radhakrishnan, 2003).

13. David Jeremiah

14. Gen Claude Kicklighter

15. Executive Steering Groups

در سال ۲۰۰۴، عملیات مشترک دریایی میان دو کشور گسترش و پیچیدگی خاصی یافت و شامل مانورهای هلی بردها، زیردریایی‌ها و جنگ‌افزارهای ضد زیردریایی نیز شد. در سال ۲۰۰۵، عملیات مالابار در سطح بالایی صورت گرفت که شامل رزمایش جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها در سطح اقیانوس هند بود. عملیات سال ۲۰۰۶ مالابار، اولین عملیات نیروی اعزامی امریکا در مقیاس وسیع آبی و خاکی همراه با هند تلقی می‌شد. عملیات مالابار در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ که نه تنها در وسعت، بلکه در ماهیت چندبعدی آن در مقیاس وسیع‌تر و پیچیده‌تری قرار داشتند (Khurana, 2012).

در سال ۲۰۰۹، نیروی دریایی - دفاعی ژاپن نیز در عملیات سه‌جانبه با امریکا و هند، در منطقه اقیانوس هند مشارکت کرد. عملیات مالابار در سال ۲۰۱۰، عملیات ناوگان دریایی دو کشور در منطقه گوا^{۱۶} بود. عملیات سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، به ترتیب در اوکیناوا^{۱۷} و خلیج بنگال^{۱۸} برگزار شد (www.mod.nic.in).

در حقیقت، هدف اصلی برگزاری مجموعه عملیات دریایی مالابار میان دو کشور هند و امریکا، دستیابی به همکاری‌های بیشتر و قابلیت یگان‌های دریایی در بهره‌گیری از روش‌های مختلف دریایی - نظامی و قرار گرفتن نیروها در وضعیت‌های متفاوت و همچنین تبادل اطلاعات، در زمینه به‌روزرسانی و کسب فناوری‌های جدید می‌بود. برای مثال مشارکت زیردریایی‌های امریکایی در عملیات دریایی مشترک در سال ۲۰۰۳ (مجهز به موشک‌های هسته‌ای) تجربه و درک مفیدی برای ناوگان دریایی و زیردریایی هند فراهم آورد تا با به‌روزرسانی تجهیزات خود، برای مقابله با این فناوری‌ها برآیند و همچنین برای ناوگان دریایی امریکا، طرح‌ها و برنامه‌های ضد زیردریایی هند، تمرینی برای آموزش هرچه بیشتر نیروها تلقی می‌شد (Rani, 2012, p.127). علاوه بر آن عملیات مشترک نیروهای دریایی دو کشور، فرصتی برای تبادل دیدگاه‌ها و مسائل

16. Goa

17. Okinawa

18. Bay of Bangal

مشترک در مورد نگرانی‌هایی که پیامدهای استراتژیک و سیاسی نیز به دنبال دارند، فراهم می‌آورند.

۲-۲. موافقت‌نامه‌های دفاعی

علاوه بر عملیات مشترک دریایی هند و آمریکا، موافقت‌نامه‌های متعددی تا به امروز در زمینه همکاری‌های دفاعی بین دو کشور امضاء شده است. امضای همکاری‌های دفاعی، برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط وزیرای دفاع آمریکا و هند (ویلیام پری^{۱۹} و مالک‌آرجان^{۲۰}) صورت گرفت. در این موافقت‌نامه، دو طرف متعهد به همکاری در زمینه‌های مختلفی از جمله ارائه خدمات به یکدیگر در حوزه تحقیقات و فناوری‌های دفاعی و آموزش یگان‌ها شدند. در واقع این موافقت‌نامه برآمده از همکاری در زمینه ارائه خدمات متقابل دو نیروی دریایی در برنامه کارگروه‌های راهنمای اجرایی دو کشور است که در سال ۱۹۹۲ آغاز شده بود. علاوه بر آن، در این موافقت‌نامه سه کارگروه به نام‌های کارگروه سیاست دفاعی مشترک^{۲۱}، کارگروه فناوری مشترک^{۲۲} و کمیته راهنمایی مشترک^{۲۳}، ایجاد شد تا بستری برای همکاری‌ها و گفتگوهای بیشتر در آینده حاصل شود (Mahapatra, 1998, pp.14-15).

به رغم همه تلاش‌ها، این موافقت‌نامه، به طیف همکاری‌ها محدود شده بود به عنوان مثال، وزیر دفاع آمریکا در آن زمان، اظهار داشت که امضای این موافقت‌نامه در راستای انتقال فناوری‌های جدید تجهیزات یگان‌های دریایی قرار داده نشده است. با وجود این محدودیت‌ها، این موافقت‌نامه به عنوان اولین موافقت‌نامه رسمی، به همه اهداف پیش‌بینی شده در پیشنهادها^{۲۴} کی‌کلیر^{۲۴}، جامعه عمل پوشاند (Sharma, 2008).

19. William Perry

20. Mallikarjun

21. Joint Defence Policy Group

22. Joint Technical Group

23. Joint Steering Committee

24. Kicklighter Proposals

موافقت‌نامه دفاعی بعدی بین دو کشور که در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۵ منعقد شد، به عنوان نقطه‌عطفی در بخش همکاری‌های دریایی- نظامی میان واشنگتن و دهلی‌نو محسوب می‌شد. در این موافقت‌نامه، دو کشور برای اولین بار و به‌طور رسمی بر تقویت همکاری‌ها در عملیات مشترک، تأکید و پافشاری می‌کردند. این موافقت‌نامه در محدوده و ماهیت، جامع و فراگیرتر از موافقت‌نامه سال ۱۹۹۵ محسوب می‌شد و فرصت‌های زیادی را برای انتقال فناوری، همکاری در جهت تولیدات مشترک دفاعی، تحقیق و توسعه در بخش فناوری‌های دفاعی- دریایی فراهم می‌آورد (Kronstadt & Bruce, 2006, p.6).

در سال ۲۰۱۲ نیز در پی دیدار معاون وزیر دفاع امریکا (اشتون کارتر) از هند، تصریح شد که مقامات امریکایی برای روابط و همکاری‌های دو نیروی دریایی در زمینه توسعه تحقیقات و تولیدات مشترک، اولویت قائل‌اند. علی‌رغم این اظهار نظر، کشور هند قبلاً با شرکت‌های امریکایی مانند شرکت مارتین لاکهید^{۲۵}، سایکورسکی^{۲۶} و تولید وسایل یدکی در بخش نیروی دریایی به‌ویژه در حوزه هواپیماهای حمل و نقل نیروها در حیدرآباد همکاری‌های گسترده‌ای را ترتیب داده بود. در طول ملاقات اشتون کارتر از دهلی‌نو، کنفدراسیون صنعت هند^{۲۷} متعهد شد تا ۲۶ درصد بر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش همکاری‌های دفاعی با امریکا افزوده شود (www.defence.gov).

۲-۳. موافقت‌نامه‌ها در حوزه امنیت دریایی

جدا از همکاری‌های دفاعی میان نیروهای دریایی امریکا و هند، موافقت‌نامه‌هایی در زمینه حفظ امنیت دریایی منطقه اقیانوس هند و ورای آن نیز میان دو کشور منعقد شده است. تأکید بر توان هند برای تأمین امنیت و ثبات منطقه اقیانوس هند، در طول اولین دوره تصدی ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش در امریکا انجام شد و از آن زمان این مسئله در اولویت سیاست خارجی منطقه‌ای امریکا قرار گرفت. کالین پاول در بیانیه‌ای در کمیته روابط خارجی سنا در ژانویه

25. Lockheed Martin

26. Sikorsky

27. Confederation of Indian Industry

۲۰۰۱ بیان داشت که "هند پتانسیل حفظ صلح و ثبات را در منطقه وسیع اقیانوس هند و حوزه‌های پیرامون آن داراست". طی ماه مه ۲۰۰۱، ریچارد آرمیتاژ^{۲۸}، معاون وزیر امور خارجه آمریکا به هند سفر کرد و در مورد همکاری‌های امنیتی با مقامات هندی بحث و تبادل نظر نمود. در طول این ملاقات، دو کشور بر منافع مشترک مانند کنترل و جلوگیری از عملیات دزدان دریایی در اقیانوس هند، مبارزه با تروریسم جهانی و گسترش تماس‌ها و همکاری‌های دریایی-نظامی تأکید کردند. برای اولین بار سران وزارت خارجه دو کشور در مورد همکاری‌های مشترک در مسائل مربوط به نیروی دریایی با یکدیگر تبادل نظر می‌نمودند. به‌رغم این گفتگوها، دو کشور عملیات دریایی مشترک را پس از سال ۱۹۹۲ شروع کرده بودند (Rani, 2012, pp.128-129).

موافقت‌نامه در چارچوب امنیت دریایی دو کشور در مارس ۲۰۰۶، به عنوان نقطه‌عطف این قبیل موافقت‌نامه‌ها بین طرفین محسوب می‌شد. در اثنای این موافقت‌نامه، دو کشور بر پذیرش رویکرد جامع و فراگیر که در موافقت‌نامه دفاعی و مشارکت استراتژیک در سال ۲۰۰۵ تأکید شده بود، پافشاری نمودند. این موافقت‌نامه هند را به عنوان یک شریک استراتژیک برای آمریکا در نظر گرفته بود، که برای تضمین امنیت و ثبات در حمل‌ونقل تجاری و کشتیرانی و همچنین امنیت ناوگان دریایی دوطرفه، ایفای نقش می‌نمود. این موافقت‌نامه از تلاش‌های بیشتر برای افزایش امنیت ناوگان دریایی دو طرف که بر پایه سازمان نیروی دریایی بین‌المللی^{۲۹} وابسته به سازمان ملل متحد عمل می‌کرد، استقبال می‌کرد. از دیگر مفاد این موافقت‌نامه امنیتی، تعهدات دو کشور برای مقابله با جنایات بین‌المللی مانند راهزنی دریایی، سرقت‌های مسلحانه، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر بود. این موافقت‌نامه طرحی برای افزایش همکاری در اجرای عملیات جست‌وجو و نجات در منطقه اقیانوس هند نیز بود؛ علاوه بر اینکه بر تبادل اطلاعات، امکانات و فناوری برای مبارزه با آلودگی‌های دریایی تأکید می‌نمود (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۸۵-۷۷).

28. Richard Armitage

29. International Maritime Organization

۲-۴. تجارت در زمینه فروش تسلیحات دفاعی

همکاری در زمینه نیروی دریایی امریکا و هند پس از قرارداد ارائه سیستم ناوبری جالاشوا^{۳۰} و هواپیمای چندمنظوره P 81، توسط امریکا به ناوگان دریایی هند، در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت. در واقع باید این قرارداد را نقطه عطفی در روابط دوجانبه میان دو کشور دانست. سیستم ناوبری دو منظوره (آبی و خاکی) جالاشوا پس از تحویل به نیروی دریایی هند در سپتامبر ۲۰۰۷ و آشنایی یگان‌های هندی به فناوری‌های این سیستم جدید، عملیات زمینی و آبی را در حوزه‌های جستجو و نجات، حمایت‌های پزشکی و ارائه کمک‌های بشردوستانه به فاجعه‌زدگان در اقیانوس هند انجام داده است. در سال ۲۰۰۹ نیز قراردادی میان هند و امریکا به ارزش ۲/۱ میلیارد دلار برای خرید ۸ هواپیمای چندمنظوره P 81، با شرکت بوئینگ امریکا بسته شد. قرار بود اولین محموله هواپیماها (که طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، شامل ۳ هواپیما از این مدل بود) در سال ۲۰۱۳ به نیروی دریایی هند تحویل داده شود. در واقع این هواپیما را باید نوع اصلاح‌شده و ارتقاء یافته بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ دانست که دارای قابلیت‌هایی چون انتقال نیروها، شناسایی دریایی و توانایی‌های رادارگریزی است. این امکانات، دسترسی استراتژیک به نیروهای دریایی هند را دو چندان می‌کند. در مجموع باید هواپیمای P 81 را ابزاری برای حصول به اهداف مشترک دو نیروی دریایی هند و امریکا در منطقه اقیانوس هند قلمداد کرد (www.pib.nic.in).

۲-۵. عملیات مشترک میان نیروی دریایی هند و امریکا

نیروی دریایی امریکا و هند، عملیات مشترکی در زمینه کمک‌های بشردوستانه، امداد و نجات در فاجعه‌های دریایی، در سرتاسر اقیانوس هند داشته‌اند. دو کشور کارگروه‌هایی را برای هماهنگ کردن فعالیت‌های امدادی تشکیل داده‌اند. در ژوئیه ۲۰۰۵ پس از وقوع سونامی، گروه امداد فاجعه‌های همگانی هند و امریکا تشکیل شد تا آموزش‌هایی در زمینه بحران در اقیانوس هند و ارائه پاسخ‌ها و واکنش‌های فوری به آن در اسرع وقت صورت گیرد (Rani, 2012, p.130).

در مجموع باید همکاری نیروی دریایی دو کشور را در چهار عملیات دانست. اولین عملیات، در طول درگیری نظامی امریکا در افغانستان (۲۰۰۲) معروف به عملیات آزادی پایدار^{۳۱} بود. نیروی دریایی هند با نیروی دریایی امریکا در اسکورت و حفاظت از کشتی‌های حامل محموله‌های بارزش که در حال عبور از تنگه مالاکا بودند، همکاری نمود. در واقع این همکاری، فصل جدیدی در زمینه مشارکت هر چه بیشتر دو نیروی دریایی امریکایی و هندی را فراهم آورد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۷۵). دومین عملیات، مشارکت دو نیروی دریایی امریکا و هند، در عملیات امداد و نجات و ارائه کمک‌های بشردوستانه در فاجعه دریایی سونامی در سال ۲۰۰۴، در منطقه اقیانوس هند بود. سومین عملیات مربوط به همکاری‌ها در عملیات تخلیه افراد غیر رزمنده^{۳۲} در لبنان در ژوئیه ۲۰۰۶ بود و آخرین عملیات مشترک نیروی دریایی دو کشور به عنوان عملیات ضد دزدان دریایی در سال ۲۰۰۸، در خلیج عدن انجام شد (www.defence.gov).

۲-۶. گفت‌وگوهای استراتژیک

گفت‌وگوهای استراتژیک که از طرف هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۹ و در پی بحث و گفت‌وگوهای گسترده دوجانبه میان هند و امریکا در ابعاد جهانی و منطقه‌ای شامل منافع و نگرانی‌های مشترک دو کشور، پیشنهاد داده شد، بستر توسعه هرچه بیشتر روابط دو کشور را فراهم آورد. اولین مجموعه سالانه از گفتگوهای استراتژیک در ژوئن ۲۰۱۰ در واشنگتن برگزار شد و بر افزایش همکاری نیروی دریایی هند و امریکا تأکید کرد. در این گفت‌وگو تصمیم بر آن شد تا دو کشور همکاری‌های خود را در مناطقی ادامه دهند که منافع و نگرانی‌های مشترک دارند، از جمله امنیت ناوگان دریایی، امدادسانی در فاجعه‌های دریایی و مبارزه با دزدان دریایی. دومین دور گفت‌وگوهای استراتژیک سالانه در ژوئیه ۲۰۱۱ در دهلی‌نو برگزار و بار دیگر بر اهمیت امنیت ناوگان دریایی دو کشور و نگرانی‌های مشترک در منطقه اقیانوس هند تأکید شد. سومین دور گفت‌وگوهای استراتژیک در ژوئن ۲۰۱۲ در واشنگتن برگزار شد. شاخص اصلی این

31. Operation Enduring Freedom

32. Not Combatant Evacuation Operation

دور مذاکرات، تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های دریایی منطقه اقیانوس هند بود. در این دور گفت‌وگوها، هند نیز از پیوستن آمریکا و تبدیل شدن به عنوان شریک گفت‌وگو در سازمان کشورهای حاشیه اقیانوس هند برای همکاری منطقه‌ای^{۳۳} استقبال کرد (www.state.gov).

۳. فراهم‌آوری بستر ویژه برای امنیت در منطقه اقیانوس هند

ایالات متحده آمریکا از هند انتظار دارد تا نقش خود را به عنوان گردآورنده امنیت و ثبات در حوزه اقیانوس هند و ورای آن به خوبی ایفا کند. وزیر دفاع سابق آمریکا، رابرت گیتس در این زمینه بیان داشت که "کشور هند امروزه به عنوان شریک و فراهم‌آورنده ویژه امنیت در اقیانوس هند محسوب می‌شود". علاوه بر آن در سال ۲۰۱۰، آمریکا در برنامه تجدیدنظر دفاعی خود که هر چهار سال یکبار صورت می‌گیرد، بیان داشت که امروزه قدرت اقتصادی، فرهنگی و نفوذ سیاسی هند در حال افزایش است و از نظر آمریکا، دهلی‌نو دارای نقش تأثیرگذاری در امور جهانی است. این کشور، با این تأثیر رو به رشد و متحد ارزش‌های دموکراتیک آمریکا در جهان و با ارائه نظام باز سیاسی در درون خود، متعهد به ثبات، امنیت و صلح جهانی است که این مسئله فرصت‌های زیادی برای همکاری با هند پیش روی آمریکا فراهم می‌آورد. جدا از این مسائل، قابلیت‌های نظامی هند از طریق افزایش امکانات دفاعی شامل نیروی دریایی مجهز، تجهیزات جاسوسی و ضد جاسوسی، هواپیماهای شناسایی و ناوگان هوایی استراتژیک به سرعت در حال بهبود و پیشرفت می‌باشد. هند قدرت نظامی خود را در گذشته در سطح جهانی از طریق مقابله با دزدی دریایی، حفظ صلح، ارائه کمک‌های بشردوستانه و کمک‌های امدادی در فاجعه‌های دریایی نشان داده است. بنابراین هند امروزه به گردآورنده امنیت و ثبات در حوزه اقیانوس هند و پیرامون آن مبدل شده است^(۱) (Rani, 2012, p.131).

باراک اوباما نیز عقیده مشترکی نسبت به این دیدگاه استراتژیک دارد. وی در ژانویه ۲۰۱۱ بیان داشت که حفظ رهبری جهانی آمریکا با اولویت دفاعی قرن ۲۱ همراه است. در واقع این

33. Indian Ocean Rim Association for Regional Cooperation

مسئله بیان از سرمایه‌گذاری امریکا برای حصول و دستیابی به مشارکت استراتژیک بلندمدت با هند می‌باشد که امریکا از توانایی‌های رو به رشد اقتصادی منطقه‌ای و فراهم‌آوری امنیت و ثبات در حوزه اقیانوس هند، توسط کشور هند استقبال می‌کند (www.defense.gov).

پس از اظهارنظرهای متعدد مقامات امریکایی، کشور هند متعهد شد تا نقش برگزیده خود را در منطقه اقیانوس هند ایفا کند و به همسایگان حوزه اقیانوس هند در راستای تأمین امنیت و کمک‌های اقتصادی توجه نماید. گواه این مسئله، سخنان وزیر دفاع هند، ای کی آنتونی^{۳۴} در کنفرانس فرماندهان دریایی در اکتبر ۲۰۱۱ در دهلی‌نو می‌باشد که با اطمینان اظهار داشت "نیروی دریایی و ناوبری هند، امنیت منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند را تضمین خواهد نمود و ما مطمئن هستیم کشور هند در تأمین امنیت و چشم‌انداز رشد و توسعه اقتصادی همسایگان منطقه‌ای خود، کشوری متعهد و ملتزم محسوب می‌شود" (Rani, 2012, pp. 131-132).

۴. هماهنگی منافع

در حقیقت پس از دوره جنگ سرد، روابط هند و امریکا بهبود یافت. این مسئله ناشی از منافع مشترک منطقه‌ای و جهانی دو کشور بود. دو کشور پس از این دوره، دیدگاه‌های مشترکی نسبت به حفظ محیط امنیتی با ثبات در منطقه اقیانوس هند، به‌ویژه از نظر پاسخ و واکنش به چالش‌های بی‌شمار در این حوزه مانند دزدی دریایی، قاچاق کالا و مواد مخدر، استفاده‌های غیر مجاز از تسلیحات کشتار جمعی^{۳۵} در منطقه، قاچاق انسان و تروریسم داشته‌اند. در واقع این چالش‌های جدی، اقتصاد صنعتی سرمایه‌داری به هم‌پیوسته جهانی را به مخاطره می‌اندازد و به تلاش‌های مشترک دو نیروی دریایی هند و امریکا، که یکی به عنوان بزرگ‌ترین قدرت دریایی منطقه‌ای و دیگری به عنوان بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهانی مطرح است، نیاز دارد. در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، امریکا تروریسم را مهم‌ترین تهدید علیه امنیت ملی خود قلمداد کرده است و به آن از سه زاویه سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم بین‌الملل و بنیادگرایی دینی می‌نگرد. همه

34. A.K.Antony

35. Weapons of Mass Destruction

این تهدیدها در محیط امنیتی منطقه اقیانوس هند و پیرامون آن نیز قابل رؤیت است. این مسئله باعث شد اولویت‌های امنیتی ملی دو کشور هند و امریکا بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شود. در نوامبر ۲۰۰۱، رئیس‌جمهور امریکا (بوش) و نخست‌وزیر هند (واجپایی)، موافقت کردند تروریسم نه تنها تهدیدی علیه امنیت ایالات متحده امریکا و هند است، بلکه تهدیدی علیه تلاش آنها در جهت ایجاد آزادی، دموکراسی، امنیت بین‌الملل و ثبات در اطراف جهان نیز می‌باشد (شفیعی، ۱۳۸۸، صص ۱۹۹-۱۹۷).

علاوه بر آن، منافع مشترک دو کشور در امنیت راه‌ها و کانال‌های دریایی در این همکاری‌ها، حائز اهمیت است. امروزه بیش از ۹۰ درصد از میزان تجارت جهانی از طریق راه‌های دریایی انجام می‌شود که از این میزان حدود ۷۷ درصد این تجارت از طریق عبور بیش از هزار کشتی بالغ بر ۷۰۰ میلیون تن کالا از اقیانوس هند، در هر سال می‌باشد. همچنین تقریباً ۳۵ درصد از منابع انرژی جهان نیز از این منطقه عبور می‌کند که از این منظر، ثبات و حفظ امنیت صدور انرژی از منطقه اقیانوس هند، به‌عنوان تضمین‌کننده ساختار امنیت کشورهای پذیرنده منابع انرژی محسوب می‌شود (Kumar, 2011, pp.57-59).

در حقیقت، امریکا از هند به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان انتظار دارد با دسترسی به منطقه ژئواستراتژیک و توانایی نیروی دریایی مناسب و مجهز، نقش مهمی در حفظ شریان‌های اقتصاد سرمایه‌داری جهانی ایفا کند.

افزایش قدرت چین در حوزه آسیای پاسیفیک نیز یکی از نگرانی‌های عمده مشترک دو کشور هند و امریکا محسوب می‌شود. چینی‌ها در نقشه آینده جهان از طریق توسعه سلاح‌های مدرن شامل هواپیماهای جنگنده پیشرفته، زیردریایی‌های مدرن و افزایش موشک‌های بالستیک به تقویت قدرت دریایی - نظامی خود ادامه خواهند داد؛ به طوری که چین در دو دهه آینده بعد از امریکا، دومین کشور هزینه‌کننده در زمینه دفاعی خواهد بود و در تمام معیارهای نظامی، یک قدرت درجه اول محسوب خواهد شد. در حقیقت، امریکا افزایش حضور چین در منطقه اقیانوس هند را به‌منزله تهدیدی بالقوه برای تفوق نظامی خود در منطقه آسیای پاسیفیک در نظر می‌گیرد (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶). علاوه بر آن، هند نیز از حضور چین در اقیانوس هند که از

نفوذ این کشور در منطقه می‌کاهد، نگران است. دهلی‌نو از توسعه بندرهای چینی در گوادر^{۳۶} پاکستان و هام‌بان‌توتا^{۳۷} در سریلانکا نیز ناخشنود است (Rani, 2012, p.133).
افزایش حضور چین در منطقه اقیانوس هند، ناشی از انگیزه‌های این کشور، شامل حفظ و امنیت خطوط راه‌های دریایی که در اقتصاد رو به رشد چین مؤثرند و حفظ و افزایش قدرت در بُعد منطقه‌ای و جهانی. از نظر چین، امروزه هر حادثه‌ای در جهان به منافع استراتژیک چین مرتبط است.

۵. چالش‌های پیش رو

به رغم همه فرصت‌های اشاره‌شده برای همکاری دو نیروی دریای ایالات متحده آمریکا و هند، چالش‌های جدی فراروی ادامه این همکاری‌ها همواره بین دو کشور وجود دارد که شامل موارد زیر می‌باشد.

۵-۱. عامل جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در روابط دریایی دو کشور هند و آمریکا ایفا می‌کند. هند از ارتباطات خوب تمدنی- تاریخی با ایران بهره‌مند است و در این میان آمریکا اصرار دارد تا هند روابط خود را با ایران محدود کند.

امریکا خواهان انزوای جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی است و امروزه برنامه هسته‌ای ایران را عاملی برای ساخت سلاح هسته‌ای می‌داند که همواره آمریکا و متحد خاورمیانه‌ای این کشور یعنی فلسطین اشغالی را به خطر می‌اندازد و به تبع این سیاست، دهلی‌نو را به پیروی از سیاست‌های خود مجبور می‌کند. در سال ۲۰۰۵، زمانی که برنامه هسته‌ای ایران در سازمان ملل مطرح شد، آمریکا براساس پیمان امضا شده با هند، دهلی‌نو را متقاعد کرد علیه ایران رأی دهد

36. Gwadar

37. Hambantota

(سجادپور و کریمی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۷). سفیر سابق امریکا در هند، دیوید مولفرد^{۳۸}، در این زمینه بیان داشت که رأی هند علیه برنامه هسته‌ای ایران در سازمان ملل، وابسته به همکاری‌های هسته‌ای میان دهلی نو و واشنگتن است (Purushothaman, 2012, p.904).

جدا از این مسئله، امریکا پیشنهاد خط لوله صلح ایران، پاکستان و هند را به‌عنوان نگرانی عمده امنیتی برای خود در نظر می‌گیرد و هند را از همکاری در این پروژه منصرف کرده است. وزیر خارجه اسبق امریکا، کاندولیزا رایس در اظهار نظری در سال ۲۰۰۵ اظهار داشت واشنگتن در حال القا کردن نگرانی خود به هند نسبت به طرح پیشنهاد پروژه خط لوله صلح ایران، پاکستان و هند است (Purushothaman, 2012, pp.906-907).

امروزه امریکا با سیاست‌های سخت‌گیرانه و تقابل‌آمیز علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران، در سال مالی ۲۰۱۲ قانون قدرت دفاعی ملی^{۳۹} را تصویب کرد تا جامعه جهانی را وادار به منع خرید نفت ایران کند. واشنگتن در همین سال تحریم‌های جدیدی را بر پایه قطعنامه ۱۲۴۵ شورای امنیت بر جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد. اگرچه این تحریم‌ها شامل بیشتر کشورها می‌شود، اما نهادهای مالی و تجاری کشورهایی مانند هند مستثنی شده‌اند (www.govtrack.us). هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت امریکا در دیدار مه ۲۰۱۲ از هند، از مقامات و دولت هند برای کاهش واردات نفت از ایران تقدیر و بر کاهش بیشتر واردات نفت ایران تأکید نمود؛ اگر چه قبلاً نیز سطح صادرات نفت جمهوری اسلامی ایران به هند در سطحی پایین و در میزان تقریباً ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ قرار داشت که این مقدار نیز در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ به ۱۰ درصد کاهش یافت (Rani, 2012, p.134).

به تازگی توسعه روابط مربوط به بندر چابهار برای هند به معمایی تبدیل شده است. همکاری با ایران در این زمینه، مخالف سیاست‌های منطقه‌ای امریکا تلقی می‌شود، که از هند انتظار دارد روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران به حداقل برساند. در واقع این همکاری برآمده از پروژه‌ای است که هند، ایران و افغانستان در سال ۲۰۰۳ با یکدیگر توافق کردند تا

38. David Mulford

39. National Defence Authorization Act

براساس آن هند برای توسعه و تکمیل بندر چابهار و احداث خط راه‌آهنی بین چابهار و زرنج افغانستان با ایران همکاری کند. همچنین هند نسبت به اصلاح و ترمیم ۲۱۵ کیلومتر از جاده زرنج و دلارام^{۴۰} به عنوان بخشی از شبکه جاده‌ای متصل به هم که هرات و کابل را از طریق وزیرستان در شمال قندهار در جنوب به هم متصل می‌کند، متعهد شده است. از سوی دیگر اجرای این طرح، جمهوری اسلامی ایران را امیدوار می‌کند تا با تکمیل بندر چابهار از تراکم و وابستگی به بندرعباس بکاهد. به هر حال امروزه جمهوری اسلامی ایران تمایل دارد که این پروژه (جاده زرنج - دلارام) را تکمیل کند و پاسخ دهلی نو در این باره مثبت بوده است، زیرا برای هند این راه جایگزینی است که دهلی نو را به آسیای مرکزی متصل می‌کند. (توحیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵).

۵-۲. عامل چین

ناپلئون در جمله‌ای معروف می‌گوید "بگذارید چین بخوابد، چراکه اگر این کشور بیدار شود، جهان را به لرزه درمی‌آورد". امروزه چین به عنوان چالش جدی آمریکا در جهان تلقی می‌شود که قدرت خود را در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و نفوذ سیاسی در سراسر جهان گسترش داده است. آمریکا از تغییر موازنه قدرت در آسیا که حاکی از تسلط چین بر این قاره است، ناخشنود است. در حقیقت واشنگتن، پکن را به عنوان یک تهدید بالقوه برای ثبات منطقه آسیای پاسیفیک در نظر دارد (شفیعی، ۱۳۸۸، صص ۲۰۶-۲۰۵). وزیر امور خارجه آمریکا در دوران بوش، در مقاله‌ای در مجله فارین افرز^{۴۱} بیان داشت که "چین به عنوان یک تهدید بالقوه برای ثبات در منطقه آسیای پاسیفیک قلمداد می‌شود. قدرت نظامی این کشور در حال تهدیدی برای آمریکا تلقی نمی‌شود، اما شرایط به مرور زمان تغییر پیدا خواهد کرد. ما چین را به عنوان یک قدرت بزرگ^{۴۲} در نظر می‌گیریم، اما همچنان بعضی از مسائل و مشکلات این کشور حل نشده باقی می‌ماند. چین امروزه تلاش دارد تا جای آمریکا را در منطقه آسیای پاسیفیک بگیرد. این

40. Zarang - Delaram

41. Foreign Affairs Journal

42. Great Power

بدان معناست که چین قدرتی نیست که خواهان حفظ وضع موجود باشد، بلکه می‌خواهد موازنه قدرت را به نفع خود در منطقه تغییر دهد که این مسئله برای امریکا چالش‌برانگیز است" (Rice, 2000, p.46).

چین هم‌اکنون با ایجاد روابط استراتژیک با کشورهای سریلانکا، پاکستان، میانمار و بنگلادش و ایجاد تسهیلات زیربنایی اقتصادی در کشورهای فوق درصدد تکمیل حلقه استراتژیک خود در منطقه اقیانوس هند است. علاوه بر آن، امروزه چین از سریلانکا به منزله یک شریک استراتژیک بهره می‌گیرد، تا نفوذ خود را بر خطوط ارتباطی و دریایی استراتژیک از اروپا تا آسیای شرقی و مسیرهای انتقال نفت خاورمیانه تا تنگه مالاکا افزایش دهد (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶). جدا از این، چین با ایجاد ساختار سازمانی جدید خارج از اختیارات امریکا، اقدام به ایجاد سازمان همکاری شانگهای^{۴۳} در سال ۲۰۰۱ با همکاری کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان^(۲) نموده است که بیش از پیش قدرت جهانی امریکا را به چالش می‌کشد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸).

از این منظر، امریکا اولویت ویژه خود را در استراتژی دفاعی منطقه‌ای به هند می‌دهد تا موازنه قدرت را در منطقه آسیا حفظ نماید. وزیر دفاع امریکا، لئون پانتا^{۴۴} نیز در این‌باره در ملاقاتی از هند در ژوئن ۲۰۱۲ اظهار داشت که "هند امروزه به عنوان محور استراتژی جدید دفاعی امریکا برای ایجاد موازنه در منطقه آسیا پاسیفیک قرار دارد". با این رویکرد براساس گفت‌وگوهای شانگری‌لا^{۴۵} که در ژوئن ۲۰۱۲ در سنگاپور برگزار شد، وزیردفاع امریکا بیان داشت که "امریکا با توجه به پتانسیل‌های قوی دریایی هند قصد دارد تا سال ۲۰۲۰، تا ۶۰ درصد از ناوگان دریایی خود را (شامل ۶ ناو هواپیمابر مستقر در منطقه اقیانوس هند) از این منطقه خارج کند" (Panetta, 2012).

43. SCO

44. Leon Panetta

45. Shangri - la

مشارکت امریکا با هند تا حدی از نفوذ چین در آینده در منطقه اقیانوس هند، جلوگیری می‌کند و به امریکا فرصت می‌دهد تا از هند به عنوان اهرمی برای رسیدن به اهداف خود در آسیای پاسیفیک استفاده نماید.

ریچارد فالکن‌ریس^{۴۶}، مشاور ارشد مؤسسه بروکین^{۴۷} در این مورد تصریح نمود "چالش بزرگ استراتژیک امریکا در سیاست خارجی، افزایش قدرت چین در منطقه اقیانوس هند است؛ اما همکاری محافظه‌کارانه واشنگتن و دهلی‌نو می‌تواند بر این چالش فائق آید. هند با توجه به وسعت زیاد، جمعیت عظیم و اقتصاد رو به رشد، خود را به‌عنوان یک قدرت برتر در منطقه مطرح کرده است که در مرکز آسیا، خاورمیانه و مرزهای جنوبی چین، سودهای استراتژیک عظیمی را برای منافع امریکا به ارمغان می‌آورد" (www.brookings.edu).

۵-۳. صادرات کنترل شده امریکا به هند

عدم انتقال سریع و گسترده و فناوری‌های پیشرفته امریکا به هند یکی دیگر از چالش‌های روابط بین دو کشور محسوب می‌شود. در سال ۱۹۹۸، به‌واسطه آزمایش‌های هسته‌ای پوکران^{۴۸} هند، تحلیلگران و محققان عدم اشاعه تسلیحات کشتار جمعی امریکا، از افزایش توانایی هسته‌ای و نیت این کشور، ابراز نگرانی کردند. در واقع نیت اصلی هند از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را می‌توان در سه مورد هسته‌ای شدن چین، اختلافات هند و پاکستان و کسب پرستیژ و جایگاه جهانی بیان داشت. با این تفاسیر، در این زمان دولت امریکا سیاست ممنوعیت صادرات و صادرات مجدد^{۴۹} را در این کشور علیه هند به کار گرفت که ابزاری برای کنترل تسلیحات هسته‌ای، کشتار جمعی و فناوری‌های موشکی این کشور می‌بود (سجادپور و کریمی، ۱۳۹۰ صص ۲۳۰-۲۲۹).

46. Richard Falkenrath

47. Brooking Institution

48. Pokhran

49. License Policy of denial for Export & Re-Export

در سال ۲۰۰۱، جورج دبلیو بوش از تعدادی از این تحریم‌ها چشم‌پوشی کرد و بیان داشت که باید سیاست‌های کنترل صادرات تکنولوژیکی به هند، از میان برداشته شود. در نوامبر ۲۰۰۱ در طول ملاقات نخست‌وزیر هند، آتال بیهاری واجپای^{۵۰} از امریکا، دو کشور متعهد به مشارکت استراتژیک شدند. در این دیدار گام‌هایی برای تحقق همکاری‌های هسته‌ای میان دو کشور برداشته شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۷۸-۷۷). بوش همچنین در ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵، پس از دیدار با من‌موهان‌سینگ، همکاری گسترده اتمی با هند را اعلام کرد. او گفت ایالات‌متحده امریکا با هند همکاری گسترده در ارتباط با تأمین انرژی هسته‌ای خواهد داشت و از کنگره امریکا خواهد خواست تا سیاست‌گذاری‌های لازم و قوانین مورد نیاز را به تصویب برساند. بنابراین این همکاری‌ها تا جایی ادامه خواهد یافت که هند را قادر می‌کند در طراحی نسل چهارم رآکتورهای هسته‌ای فعال شود و به سوی تعامل گسترده بین‌المللی پیش رود" (مرادی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵). علاوه بر آن، تلاش‌های زیادی برای بهبود روند انتقال فناوری در سطح بالا صورت گرفت که نتیجه این گفتگوها در سال ۲۰۰۸ به امضای موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای^{۵۱} بین دو کشور منجر شد. امضای این موافقت‌نامه هسته‌ای غیر نظامی توسط دو طرف، هند را به باشگاه هسته‌ای جهان پیوند می‌زند و این مسئله دال بر پذیرش قدرت منطقه‌ای هند از طرف امریکا، به منزله مهم‌ترین قطب قدرت جهانی است که تا دیروز روابط چندان دوستانه‌ای با یکدیگر نداشتند (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶).

دولت امریکا در نتیجه این موافقت‌نامه، تقریباً ۲۵ درصد از مجوزهایی که صادرات فناوری‌های پیشرفته به هند را منع می‌کرد، حذف نمود و همچنین تعداد زیادی از نهادها و مؤسسات هندی نیز از فهرست تحریم‌ها خارج شدند. در سال ۲۰۱۱ نیز ۹ سازمان مهم دیگر هندی از فهرست تحریم‌های امریکا خارج شدند. این تلاش‌ها نشانه خوبی برای انتقال فناوری‌های پیشرفته به هند است که از این به بعد محدودیت‌ها در این زمینه برداشته می‌شود و روند آن سرعت می‌یابد. به هر حال اگرچه امریکا، هند را از فهرست محدودیت صادرات خارج

50. Atal Bihari Vajpayee

51. Civilian Nuclear Agreement

کرد، اما در عمل هنوز انتقال فناوری به هند با محدودیت‌های زیادی همراه است. اخیراً نیز رئیس سازمان توسعه هند، ساراسوات^{۵۲} اعلام کرد که اگرچه هند بر روی کاغذ از فهرست کشورهای محدودشده صادرات فناوری امریکایی خارج شده، اما در عمل تغییری در این روند حاصل نشده است و همچنان محدودیت‌های جدی در این زمینه وجود دارد. شاید یکی از مهم‌ترین عوامل این محدودیت‌ها مربوط به قانون امریکا باشد که فعالیت‌هایی مانند انتقال فناوری‌های این کشور را منوط به امضای موافقت‌نامه‌های ویژه‌ای چون موافقت‌نامه اهداف کاربران مانیتورینگ^{۵۳}، موافقت‌نامه حمایت‌های لجستیک^{۵۴}، موافقت‌نامه همکاری‌های ارتباطاتی و یادداشت تفاهم امنیتی^{۵۵} و موافقت‌نامه تبادل و همکاری‌های بنیادی^{۵۶} برای مشارکت در زمینه فناوری‌های پیشرفته دانسته‌اند. در حقیقت، امریکا حساسیت‌های زیادی نسبت به هند دارد تا این موافقت‌نامه‌ها را امضا کند. در همین زمینه سفیر سابق امریکا در هند، تیموتی جی‌رومر^{۵۷} بیان داشت که "هند باید این موافقت‌نامه‌های چندگانه را امضا کند تا بتواند به فناوری‌ها و تکنولوژی دست بالای امریکا دست یابد". با این تفاسیر، هند تا به امروز فقط موافقت‌نامه اهداف کاربران مانیتورینگ را به امضا رسانده است و مقامات هندی امضای سایر موافقت‌نامه‌ها را محدودکننده فعالیت تحقیقاتی و استقلال استراتژیک هند در نظر می‌گیرند که به سود منافع ملی هندوستان نمی‌باشد (Rani, 2012, p.136).

۵-۴. عامل سیاسی - نظامی

اگرچه نیروی دریایی هند با نیروی دریایی دیگر کشورها به رهبری امریکا در عملیات ضد دزدان دریایی در خلیج عدن همکاری می‌کند، اما این کشور در این عملیات مشارکت نکرده است. در واقع مقامات هندی عقیده دارند که این عملیات باید تحت نظارت سازمان ملل قرار داشته باشد و

52. V.K.Saraswat

53. End User Monitoring Agreement

54. Logistic Support Agreement

55. Communication Interoperability & Security Memorandum of Agreement

56. Basic Exchang & Cooperation Agreement

57. Timothy J.Roemer

نه با کارگزاری کشوری خاص. با این رویکرد، هند برای مثال در عملیات نیروی وظیفه ائتلافی ۱۵۱^{۵۸} به رهبری امریکا که در سال ۲۰۰۹ با هدف ضد دزدان دریایی در منطقه اقیانوس هند برگزار شد، شرکت نکرد (Singh, 2012). جدا از این مسئله، خط مشی و راهبردهای عملیات دریا توسط دو نیروی دریایی هند و امریکا متفاوت است. استراتژی نیروی دریایی هند در عملیات دریایی، بیشتر بر عدم درگیر شدن و بی‌خطری و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسئله استوار است، در صورتی که استراتژی نیروی دریایی امریکا بر استفاده از زور برای دستیابی به اهداف خود تأکید دارد. یکی از شواهد این مدعا، تصویب قانونی در سنای امریکا در ژوئن ۲۰۰۱ در خصوص منطقه دریایی جنوب چین^{۵۹} می‌باشد. این قانون از امریکا برای تعقیب و پیگیری عملیات‌ها با استفاده از نیروی تسلیحات نظامی در حمایت از آزادی حقوق دریایی در آب‌های بین‌المللی و فضای هوایی در منطقه دریایی جنوب چین حمایت می‌کند (www.webb.senate.gov).

فرجام

بعد از دوره جنگ سرد، قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای به‌دلیل عدم توان تغییر در نظام بین‌الملل به‌طور مطلق، کامل نبودن ابعاد قدرت و گستره دسترسی به قدرت در سطح منطقه‌ای به‌طور محدود، از حل مسائل و چالش‌های منطقه‌ای و جهانی عاجزند. از طرف دیگر، ابرقدرت یا هژمون اگرچه از ابعاد قدرت به‌طور نسبی برخوردار است، اما به‌دلیل مشکلات ناشی از تقبل وظایف و مسئولیت‌های بیشتر و عدم تطابق میان حمایت داخلی و تعهدات خارجی در درازمدت آسیب خواهد دید. از این رو، افزایش منافع هژمون چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی از طریق مشارکت با قدرت سطح دوم نظام معاصر در جهت حل مسائل جهانی امکان‌پذیر است (ایکنبری، ۱۳۸۲، صص ۱۰۵-۱۰۴). از این چشم‌انداز، هندوستان از یک غیر متعهد طرفدار بلوک شرق در دوره جنگ سرد، به یک شریک استراتژیک امریکا در دوره پس از جنگ سرد تبدیل شد. این تحول در ادبیات مربوط به سیاست خارجی امریکا در جنوب آسیا، اصطلاحاً

58. Combined Task Force 151

59. South China Sea Region

سیاست نخست هندوستان خوانده می‌شود (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). پس از دوره جنگ سرد نیز در حوزه نیروی دریایی، هند نگرش‌های متفاوتی را نسبت به حضور امریکا در منطقه اقیانوس هند پیش گرفت و آن را به رسمیت شناخت، زیرا در مقایسه با دوره جنگ سرد، نظم جهانی تغییر پیدا کرده بود. امروزه نیروی دریایی هند بیشترین قدرت را در منطقه اقیانوس هند داراست و راهبردهای دریایی این کشور همکاری با دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد. در طرف مقابل، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امریکا قدرت نیروی دریایی هند را در منطقه اقیانوس هند، مورد شناسایی قرار داد. در استراتژی جدید این کشور، دهلی‌نو به عنوان مدار و محور شرق که باید نقش مهمی در زمینه امنیت و ثبات در منطقه آسیایی پاسیفیک بازی کند، بازشناخته می‌شود.

به رغم هماهنگی منافع دو کشور در حوزه همکاری‌های راهبردی نیروی دریایی، شامل اقدامات مشترک نسبت به حفظ محیط امنیتی باثبات در منطقه اقیانوس هند، به‌ویژه از نظر پاسخ و واکنش به چالش‌های بی‌شمار در این منطقه مانند دزدی دریایی، قاچاق کالا و مواد مخدر، استفاده‌های غیر مجاز از تسلیحات کشتار جمعی در منطقه، قاچاق انسان و تروریسم؛ چالش‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران، چین، صادرات کنترل‌شده امریکا به هند و عامل سیاسی - نظامی، فرایند همکاری‌ها در حوزه نیروی دریایی دو کشور را با موانعی روبه‌رو می‌کند.

پانوشته‌ها:

(۱) هندوستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب شبه‌قاره هند واقع شده است. از لحاظ وسعت، در مقام هفتم جهان، دومین کشور پرجمعیت جهان، از نظر رشد اقتصادی دومین اقتصاد جهان (در حدود ۶ درصد) است پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ چهارمین قدرت اقتصادی جهان شود. دارای سومین ارتش بزرگ دنیا، چهارمین نیروی هوایی جهان و پنجمین نیروی دریایی عظیم جهان است. از نظر بودجه دفاعی، یازدهمین در جهان است. این کشور، یکی از شش قدرت هسته‌ای جهان تلقی می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد قدرت هند رجوع شود (Nilakant, 2006 pp.4-8).

(۲) با پیوستن مغولستان به این سازمان در ژوئن ۲۰۰۴ به عنوان عضو ناظر و هند و پاکستان و جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۵ به عنوان اعضای ناظر سازمان همکاری شانگهای، گسترده جغرافیایی بیشتری پیدا کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱).

منابع فارسی

۱. آقای، سیدداود و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۱)، "چشم‌انداز قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره ۴، شماره مسلسل ۵۸.
۲. ایکنبری، جان (۱۳۸۲)، *تنها ابرقدرت: هژمونی امریکا در قرن بیست و یکم*، ترجمه فضل‌پور، تهران، مؤسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳. توحیدی، ام‌البنین (۱۳۸۷) "ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند"، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۷.
۴. سجادپور، سید محمدکاظم و مائده کریمی قهرودی (۱۳۹۰)، "رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره ۶، شماره مسلسل ۵۴.
۵. شفیع، نوذر و فرهاد قنبری پاسارگادی (۱۳۸۸)، "جایگاه هند در سیاست خارجی امریکا پس از پایان جنگ سرد"، *ماهنامه سیاسی اقتصادی*، شماره‌های ۲۶۱-۲۶۲.
۶. شفیع، نوذر (۱۳۸۸)، "سیاست خارجی امریکا در جنوب آسیا؛ نخست هندوستان"، *رهیافت سیاسی و بین‌المللی*.
۷. طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، "بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، امریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای"، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶.
۸. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)، *مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۹. کولایی، الهه و طیبه واعظی (۱۳۹۱)، "تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان"، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره اول.
۱۰. مرادی، مسعود (۱۳۹۱)، "تسلیمات اتمی و پیوند هند - فلسطین اشغالی و امریکا"، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲.

منابع لاتین

11. Bhaskar, C.Uday & Agnihotri, Kamlesh. K.(2011), *Security Challenges along the Indian Ocean Littoral: Indian and US Perspectives*, New Delhi, Matrix Publications.
12. Bhaskar, C.Uday.(2000), "Clinton's Visit and the Nuclear Narrative", *Strategic Analysis*, Vol.27, No.2, pp.207-219.
13. Chaudhury, Rahul. R.(2012), *US Naval Policy in the Indian Ocean*, www.idsa-india.org/andes8-4.html.

14. Ganguly, Sumit and others (2006), *US-Indian Strategic Cooperation into the 21 Century: More than Words*, New York, Routledge.
15. Harrison, Selig.S and Subrahmanyam, K.(1989), *Superpower Rivalry in the Indian Ocean: Indian and American Perspectives*, New York, Oxford University Press.
16. *INS Jalashwa Joins the Eastern Fleet*, www.pib.nic.in/newsite/erelease.aspx?relid=31220.
17. Jayaramu, P.S.(1995), *Indian Ocean: Issues for Peace*, New Delhi, Manohar Publication.
18. Kaushik, Devendra.(1983), *The Indian Ocean: A Strategic Dimension*, New Delhi, Vikas Publication.
19. Khurana, Gurpreet.S.(2012), *Joint Naval Exercises: A Post-Malabar-2007 Appraisal for India*, www.ipcs.org/pdf_file/issue/49320093IPCS-IssueBrief-No52.pdf.
20. Kronstadt, Alan and Bruce, Vaughn.(2004), *Terrorism in South Asia*, <http://www.fas.org/irp/crsr132259.pdf>.
21. Kumar, Amit.(2006), "US in Ocean Region: It May Help India's Look East Policy", *The Tribune*, June 14.
22. Kumar, Kamal.(2000), *Indian Ocean as a Zone of Peace: Problems and Prospects*, New Delhi, A.P.H. Publications.
23. Kumar.A, Kamlesh.(2011), "Modernisation of the Chinese Navy, Its Strategic Expansion into the Indian Ocean Region and Likely Impact on the Regional Stability", *Maritime Affairs*, Vol.7, No.1.
24. Kux, Dennis.(1992), *Estranged Democracies: India and United State*, Washington DC, National Defense University Press.
25. Mahapatra, Chintamani.(1998), *Indo-US Relations into the 21 Century*, New Delhi, Knowledge World Publications.
26. Malik, Mohane (2006), *China's Strategy of Containing India*, <http://www.piner.com/report.phpzac=view-report&report-id=434>.
27. Mann, Poonam.(2000), *India's Foreign Policy in the Post Cold War Era*, New Delhi, Herman Publications.

28. Ministry of Defence, *Annual Report 2011–12, India*, www.mod.nic.in/reports/AR-eng-2012.pdf.
29. *National Defense Authorisation Act for Fiscal Year 2012*, www.govtrack.us/congress/bills/112/s1867.
30. Nilakant, V.(2006), *India:A Rising Power*, <http://www.asiaz.org/n2/files/India-rising-power.pdf>.
31. Panetta, Leon (2012), *First Plenary Session*, www.iiss.org/conferences/the-shangri-la-dialogue-2012/speeches/first-plenary-session/leon-panetta.
32. Purushothaman, Uma.(2012), "American Shadow over India – Iran Relations", *Strategic Analysis*, Vol.36, No.6, pp.899-910.
33. Radhakrishnan, R.K.(2003), "Indo-U.S. Joint Naval Exercises Conclude", *The Hindu*, July 12.
34. Rani, Sudesh.(2012), Indo-US Maritime Cooperation: Challenges and Prospects, *Maritime Affairs*, Vol.8, No.2, pp.123-143.
35. *Remarks by Deputy Secretary of Defense Carter to the Confederation of Indian Industry, New Delhi, India*, www.defense.gov/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=5048.
36. Rice, Condoleezza.(2000), "Promoting the National Interest", *Foreign Affairs*, Vol.79, No.1,pp.45-62.
37. Sharma, Ashok (2008), "Strategic Convergence: An Overview of Defence and Military Cooperation", *CLAWS Paper*, No.2.
38. Shuja, Sharif.(2006), "The United States and India", *National Observer*, No.69,pp. 35-45.
39. Singh, Abijit.(2012), "India Strengthens Eastern Naval Flank", *Asian Times Online*, August 29, www.atimes.com/atimes/South_Asia/NH29Df01.html.
40. *Testimony of Richard Falkenrath on US-India Global Partnership, Before the Committee on House International Relations*, 11 May 2006, at: <http://www.brooking.edu/research/testimony/2006/05/11india-falkenrath>.
41. US Department of Defense, *Quadrennial Defense Review Report 2010*, www.defense.gov/qdr/image/QDR_as_of_12Feb10_1000.pdf.

42. US Department of Defense, *Report to Congress on US-India Security Cooperation*, www.defence.gov/pubs/pdfs/20111101_NDAA_Report_on_US_India_Security_Cooperati_on.pdf.
43. US Department of Defense, *Sustaining U.S. Global Leadership: Priorities for 21 Century Defense*, www.defense.gov/news/Defense_Strategic_Guidance.pdf.
44. US Department of State, *US-India Strategic Dialogue Joint Statement*, www.state.gov/r/pa/prs/ps/2010/06/142645.htm.
45. *U.S. Senate Unanimously Deplores China's Use of Force in South China Sea*, June 27, 2011, [www.webb.senate.gov/newsroom/pressreleases/06-27-2011.cfm? Render for print](http://www.webb.senate.gov/newsroom/pressreleases/06-27-2011.cfm?Render=print).
46. www.mod.nic.in
47. www.defence.gov
48. www.pib.nic.in
49. www.state.gov
50. www.govtrack.us
51. www.brookings.edu
52. www.webb.senate.gov